

همیشه باتو سخن گفته‌ام

گزیدهٔ سروده‌های هاشم الهی

به کوشش آیدا الهی

www.ketab.ir



الهی، هاشم، ۱۳۲۲-
همیشه با تو سخن گفته‌ام/گزیده سروده‌های هاشم الهی: به کوشش ایدا الهی.
تهران: مهر اندیش، ۱۴۰۰.

۱۱۶ ص.
الهی، آیدا، ۱۳۶۳-، گردآورنده.

۹۷۸-۶۲۲-۷۴۷۱-۴۹-۶

PIR۸۳۳۴

۸۵۱/۶۲

۷۵۳۷۴۹



در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «،» مشخص می‌شود، استفاده شده است. «نشانه درنگ» نویسه مناسبی است که به جای ویرگول نابجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های خواندن درست متن فارسی را نیز برطرف می‌کند.



همیشه با تو سخن گفته‌ام
گزیده سروده‌های هاشم الهی

www.ketab.ir

- هاشم الهی.
- به کوشش آیدا الهی.
- ویراستار: محمود محبی.
- گرافیک: سمیه مددی. آماده‌سازی و نظارت فنی: مهراندیش.
- چاپ اول: تهران، ۱۴۰۰. چاپ: قشقایی. ۵۰۰ نسخه. شماره نشر: ۲۴۱.
- قیمت: ۳۳۵۰۰ تومان. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۷۱-۴۹-۶.



هرگونه خلاصه‌نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به صورت کامل و یا بخشی از آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

انتشارات مهراندیش

تلفن همراه: ۰۹۱۲۵۵۹۱۶۰۲

www.mehrandishbooks.com

mehrandishnashr@gmail.com

@mehrandishbooks

@mehrandishbooks



فهرست

۹.....	مقدمه ناشر
۱۱.....	مقدمه آیدا الهی
۱۵.....	رویش عشق
۱۷.....	رویش دوباره
۱۸.....	فریدا
۱۹.....	باور کنیم، هرگز
۲۱.....	فصل عاشقی
۲۳.....	عبور
۲۵.....	همیشه با تو سخن گفتم
۲۷.....	تو را فریاد می‌زنم
۲۹.....	فریاد رهایی
۳۱.....	صبوری تاریخ
۳۳.....	زیبای من
۳۴.....	بغض سکوت
۳۶.....	زایش دوباره
۳۸.....	مرا به خویشتن بگذارید
۳۹.....	آغازی دیگر
۴۲.....	امید رهایی
۴۵.....	انتظار
۴۸.....	صدایت می‌زنم آزادی
۵۲.....	سخن از عشق نیست
۵۴.....	هیئت عشق

۵۷.....	شاید فردا.....
۶۰.....	صدایی می آید.....
۶۲.....	چلچراغ آرزوها.....
۶۵.....	بار دیگر، زندگی.....
۶۷.....	کوکو جان.....
۷۰.....	زنی می آید.....
۷۲.....	حسرت سپیده دمان.....
۷۳.....	وداع آخر.....
۷۵.....	انتظار.....
۷۷.....	کاش می دانستند.....
۷۹.....	تو.....
۸۲.....	زُهم بی کسی.....
۸۶.....	بوی زندگی.....
۸۷.....	قهرمان.....
۹۳.....	مرا همراه شو.....
۹۴.....	شعری برای آینده.....
۹۶.....	بر سر آنم که.....
۹۸.....	آزادی.....
۱۰۰.....	صدای ضجه.....
۱۰۳.....	بانوی مهربانی ها.....
۱۰۵.....	بانوی مهربانی های همیشه.....
۱۰۷.....	۲.....
۱۰۸.....	۳.....
۱۰۹.....	۴.....
۱۱۰.....	۵.....

مقدمه ناشر

چندباری بیشتر اقبال دیدارش را نداشتم؛ دیدارش دل‌نشین و مصاحبتش دلگرم‌کننده بود. صبور و آرام به تو گوش می‌داد، با لبخندی همراهی‌ات می‌کرد، سر تکان می‌داد و ترغیب می‌کرد که باز هم بگویی و ادامه بدهی. از سروده‌های جدید و قدیم که می‌خواندی، هرازگاهی می‌خواست که تکه‌ای را از تو بخوانی و او با دقت بیشتر به آن گوش بدهد و به تحسین و یا نقد و نظر، نکته‌ای بگوید.

و بعد او بود که باید تو را به ضیافت کلمه و اندیشه می‌برد؛ چشم‌اندازی بکر و تماشایی که رنگ یک عمر عقل و عاطفه را داشت. صدایش ضرباهنگی از یقین و باور بود و توقفتش روی کلمات^۱ تو را تا آستانه نادیدنی هزارهزار رمزوراز گفته و ناگفته پیش می‌برد.

همیشه با تو سخن گفته‌ام
از کوچه‌های خالیِ خاطره
از نجابت توهم یک رویا
از غمناکی شبان و روزانی که
بر من رفته است

در وسعت ناپیدای صبوری یک عشق ...

از آن‌هایی بود که دلت می‌خواست وقت‌هایی که پیشش هستی، هیچ‌وقت تمام نشوند، و در دریای معرفتش، دم‌به‌دم، صیدی تازه بیابی و حال‌وهوایی نو تجربه کنی. آرامشش تو را با خود همراه می‌کرد؛ انگار همه این دنیای شلوغ و پلوغ تصویری بیشتر نبود، و اصل زندگی، سرسبز و قدرتمند، در جای دیگری ادامه داشت.

با آیداکه آشنا شدم و شیفته شخصیت، ادب، توانایی، دانایی و روح بزرگش، غرقه انبوهی از پرسش‌های بی‌جواب گردیدم، همیشه دلم می‌خواست بدانم در سایه‌سار کدام پدر و مادر بزرگوار و صاحب‌فضل بزرگ شده است و کانون کدام خانه آسمانی چنین ستاره درخشانی را پرورانده است... و چه خوش‌بخت بودم که یک روز، ساعتی نسبتاً طولانی، کنارشان نشستم و وقتی گفتم برای آیداکه جز چنین پدر و مادری توقع نداشته‌ام، نگذاشت حرفم به انتها برسد و گفت آن‌ها بفرمایند که در کلاس عظمت و رفعت آیداکه تربیت شده‌اند و درس زندگی آموخته‌اند.

خواستم که دفتر سروده‌هایش را به ما ببیند و بگذارد آن‌ها را آماده چاپ کنیم. دریغ بود که چشم‌ها و اندیشه‌ها را نتوانند و بر صحیفه روزگار جای نگیرند... و چه می‌دانستم چیزی نمی‌گذرد که صبوری‌اش بر این روزگار نامراد خاتمه می‌یابد، راهی سفری جاودان می‌گردد و اندوهناک وجودی می‌گردیم که هنوز فراوان گفت و شنود ناتمام با او داشتیم...

به کلمات خوب و ماندگار زنده‌یاد هاشم الهی دل می‌سپاریم و آسمان آسمان درود و تحیت بدرقه راهش می‌کنیم...
مهدی سجودی مقدم

بهمن ۱۳۹۹